

شرح دشواری‌هایی از

حديقة الحقيقة سنایی

مؤلف:

دکتر زهرا درّی



انتشارات زوار

۱۳۸۶

سرشناسه	دزى، زهرا، ۱۳۴۰ - ، شارح
عنوان قراردادی	: حديقه الحقيقه و شريعه الطريقه. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: شرح دشواری‌هایی از حديقه الحقيقه سنایی / مولف زهرا دزى.
مشخصات نشر	: تهران: زوار، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۸۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱-۳۱۱-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۸۲۱-۸۳۲: همچنین به صورت زیرنویس
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: سنایی، مجدودبن آدم، ۴۷۳؟۵۲۵ ق. حديقه الحقيقه و شريعه الطريقه - نقد و تفسیر.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۶ ق. - تاریخ و نقد.
موضوع	: شعر عرفانی - قرن ۶ ق. - تاریخ و نقد.
شناسه افزوده	: سنایی، مجدودبن آدم، ۴۷۳؟۵۲۵ ق. حديقه الحقيقه و شريعه الطريقه. شرح
رده‌بندی کنگره	: ۴ش ۴۹۴۴ / PIR
رده‌بندی دیویی	: ۸۷۱ / ۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۳۰۲۰۵



انتشارات زوار

□ شرح دشواری‌هایی از حديقه الحقيقه سنایی □

□ مؤلف / دکتر زهرا دزى □

□ حروفچینی و صفحه‌آرایی / جهان فارس: ۶۶۴۰۱۷۲۷ □

□ چاپ / میری □

□ نوبت چاپ / اول - زمستان ۱۳۸۶ □

□ شمارگان / ۵۰۰ نسخه □

□ شابک / ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱-۳۱۱-۹ □

□ بها / ۱۲۰۰۰ تومان □

□ حق طبع و تقلید محفوظ است □

□ تهران: خیابان انقلاب؛ خیابان دوازدهم فروردین؛ نبش شهیدنظری؛ پلاک ۳۳ □

□ تلفن: ۰۲۶۶۴۶۲۵-۶۶۴۸۳۴۲۳-۶۶۴۸۳۴۲۴ نمابر: □

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۵
مقدمه‌ای بر شرح احوال و آثار سنایی.....	۷
سبک‌شناسی دشواری‌های حدیقه سنایی.....	۱۳
الباب الاول	
در توحید باری تعالی.....	۲۱
الباب الثاني	
فی الکلام ذکر کلام‌الملک العلام یسهل المرام.....	۱۸۳
الباب الثالث	
اندر نعت پیغامبر ما محمد مصطفی علیه السلام.....	۳۰۵
الباب الرابع	
اندر ستایش عقل و عاقل و معقول.....	۳۱۵
الباب الخامس	
فی فضیله العلم، ذکر العلم اربع لان فضله ارجح.....	۳۵۹
الباب السادس	
فی ذکر نفس الکئی و احواله.....	۴۰۷
الباب السابع	
فصل فی الغرور و الغفله و النسیان و حب الامانی و التهور در بیهوده خندیدن.....	۴۹۳
الباب الثامن	
ذکر السلطان یستنزل الامان.....	۵۹۵
الباب التاسع	
فی الحکمه والامثال و مثالب شعرا المذعین و مذمه الاطباء و المنجمین فصل فی بیان سبیل السعاده و الطريق المستقیم.....	۷۰۱
الباب العاشر	
فی سبب تصنیف الکتاب و بیان کتابه هذا الکتاب رعايه لذوی الکتاب.....	۷۴۷

مقدمه‌ای بر شرح احوال و آثار سنایی

ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی از شاعران و فرهیختگان بزرگ قرن پنجم و اوایل قرن ششم (۴۶۷-۵۲۹ ه.ق) است که در شهر غزنه زاده شد. پدرش به تصریح کارنامه بلخ - در سخنانی که در حق پدرش خطاب به ثقه الملک طاهر بن علی وزیر سلطان مسعود بن ابراهیم بیان شده است - از وابستگان دولتمردان روزگار بوده و از خاندان‌های اصیل غزنه.^۱ نام و کنیت و تخلص او را چنان که ذکر شد ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی غزنوی گفته اند؛ همان گونه که از مقدمه منشیه سنایی بر دیوان نیز از سرآغاز حدیقه چاپ استاد مدرّس رضوی بر می‌آید: «روزی من که مجدودبن آدم سنایی‌ام در مجد و سناء این کلمات نگاه کردم...»^۲ و در حدیقه آمده است:

شفی او ز لفظ بوالمجد است
کرد مجدود ماضیم کنیت
زین قبل نام گشت مجدودم^۳

«هر که او گشته طالب مجد است
زان که جد را به تن شدم بنیت
شعرا را به لفظ مقصودم

نیز در چند مورد در دیوان، شاعر به تخلص خود اشاره دارد، هر چند که نام «حسن» نیز از نام‌هایی است که شاعر مشهر بدان است ولی اسناد مربوط به این نام چندان معتبر به نظر نمی‌رسد. حکیم سالهای کودکی و جوانی اش را در زادگاهش، غزنه به کسب علوم و معارف روزگار پرداخت و در اوان جوانی به شهر بلخ مسافرت کرد. «کارنامه بلخ» حاصل اقامت وی در بلخ است؛ سپس سفرهای دیگری نیز به سرخس، نیشابور و هرات انجام داده است. در سرخس با محمد بن منصور سرخسی آشنا شد و یک چند مقیم خانقاه او بود.^۵ و سرانجام حدود سالیان ۵۱۸ ه. ق از سرخس به غزنین بازگشته است. مقدمه محمد بن علی رفا بر حدیقه و ابیاتی از حدیقه بیانگر آن است که بهرامشاه غزنوی شاعر را به دربار فراخوانده است و حتی او را به ازدواج با یکی از وابستگان خویش (خواهر؟) ترغیب کرده است که وی با تعبیرات لطیف و بیانی ظریف از این دعوت سرباز زده است، و سرانجام به شکرانه توجه پادشاه و حمایت‌های وی حدیقه را به نام وی مزین کرد. از جمله نکات مهم در زندگی سنایی تحول فکری و در نتیجه تحول شعری اوست تحولی که با افسانه مشهور «دیوانه لای خوار» پیوند خورده است. استاد شفیع این داستان را تبیین و توجیه «دوگانگی شخصیت و دوگانگی شعر» و «دو ساحت وجودی شاعر» می‌داند. دو ساحت وجودی که هیچ مرز مشخصی ندارد و به نوعی تا پایان زندگی او ادامه می‌یابد.^۶

در مورد سال وفات سنایی در تذکره‌ها و در نوشته‌های محققان معاصر اختلاف نظر بسیار است. محمد بن علی رفا معاصر سنایی روز یکشنبه یازدهم شعبان ۵۲۵ ه. ق را تاریخ وفات سنایی ذکر کرده است استاد مدرس، نیز استاد مظاهر مصفا قائل به عدد ۵۳۵ ه. ق است ولی و استاد خلیل الله خلیلی نیز استاد شفیع کدکنی براساس ضبط نسخه قدیمی موزه کابل در شب یکشنبه یازدهم شعبان سال ۵۲۹ ه. ق در خانه عایشه نیکو در محله نوآباد غزنین را زمان و مکان بدروود حیات شاعر می‌دانند بنابر گفته همین مقدمه وی تا یک روز قبل از فوت خویش سرگرم تهیه مقدمات برای تنظیم کتاب و تقدیم آن به بهرامشاه بود و یک روز قبل از فوتش تبی او را گرفت و روز بعد درگذشت^۷ که مزارش در غزنه زیارتگاه اهل معرفت است.

آثار این شاعر گرانمایه عبارتند از:

۱- کلیات دیوان که شامل قصاید، غزلیات، مقطعات و رباعیات است که تعداد ابیات آن

بنابر شمارش استاد مدرس رضوی بالغ بر ۱۳۷۸۰ بیت است.

۲- حدیقه‌الحقیقه و طریقه‌الشریعه، که همان فخری نامه یا الهی نامه است و از شاهکارهای

مهم ادب عرفانی محسوب می‌شود. کتابی که الهام بخش خداوندگار عرفان مولانا جلال الدین بلخی در سرودن مثنوی و بسیاری از آثار مهم ادبی بوده است. از دیدگاه دیگر حدیقه به مثابه دایرةالمعارف دانشهای سنایی محسوب می‌شود و این امر خود سببی است بر پراکندگی موضوعی و دشواری آن، او خود در این باره گوید.

هیچ دیدی بدین صفت تصنیف	گرچه بسیار دیده‌ای تألیف
کرده‌ام جمله خلق را معلوم	هرچه دانسته‌ام ز نوع علوم
وز مشایخ هر آنچه آثار است	آنچه نص است و آنچه اخبار است
مجلس روح را یکی شمع است. ^۸	اندرین نامه جملگی جمع است

از مهمترین مسائل در رویایی با حدیقه وجود نسخه‌های مختلف و ناهماهنگی بسیار نسخ با یکدیگر است که سرآغازش به حیات شاعر بر می‌گردد. آن گونه که از مقدمه رفا برمی‌آید حدیقه در زمان حیات خود شاعر مورد توجه قرار می‌گیرد و در عین حال ناهلان روزگار دست تعدی بدان دراز می‌کنند که وی در حسرت این واقعه می‌گوید: «و چون روزگار چیزی از پیش برداشت از پی آن رفتن بی‌خردی باشد»^۹ و دیگر آن که با سروده شدن حدیقه و انتشار آن بعضی از علمای ظاهر بر حکیم اعتراض کردند و او نسخه‌ای از آن را که «قرب ده هزار بیت مسوده» بود فراهم آورد و جهت استفتا نزد برهان الدین ابوالحسن علی بن ناصر الغزنوی معروف به «بریانگر» به بغداد فرستاد تا آن را بر علما عرضه بدارد و وی را از اعتراض متعصبان برهاند. بعد از ارسال نسخه‌ی ده هزار بیتی و مرگ حکیم و فرمان پادشاه، رفا نسخه پنج هزار بیتی‌ای برای دربار بهرامشاه فراهم می‌آورد (حکیم خود در زمان حیاتش پیش نویس آن را به دربار داده بود) که مورد عنایت قرار می‌گیرد؛ بدین ترتیب بدیهی است که تفاوت‌های بسیار در نسخه‌های خطی باقی مانده از آثار سنایی را نمی‌توان معلول حوادث معمولی که درگذر زمان برای نسخه‌ها اتفاق می‌افتد دانست. بلکه این تفاوت‌ها اغلب نشان‌دهنده دست کاری‌های آگاهانه‌ای است که شامل تغییر در واژگان، تبویب‌های مجده، افزودن‌ها و کاستن‌های بسیار و... می‌شود.

حدیقه برای نخستین بار در هندوستان چاپ شد: بمبئی ۱۲۷۵، ۹-۱۸۵۸؛ لکنهو، ۱۸۷۸؛ لاهور، ۱۲۹-۴/۱۸۷۳؛ لکنهو ۱۳۰۴/۱۸۸۶ (متن کامل همراه با شرحی از عبداللطیف در حواشی آن). متن کامل حدیقه که به کوشش استاد مدرّس رضوی در سال ۱۳۲۹/۱۹۵۰ به

چاپ رسید که در دسترس ترین و جامع ترین نسخه این متن است و تعلیقات استاد مدرس و این چاپ که ایبائی حدود ۱۱۰۰۰ را در بردارد، مهمترین مدخل برای سنایی شناسان امروزیین بوده است. در تصحیح این اثر از تعداد زیادی نسخه خطی استفاده شده است (بغدادلی و هبی شماره ۱۶۷۲، به تاریخ ۱۱۵۷/۵۵۲، نسخه خطی ملک الشعراء بهار...) و در میان چاپهای مختلف از ارزش والا بی برخوردار است و از حیث تعداد محتملاً ابیات نزدیک و مشابه حدیقه‌ای است که سنایی به بغداد فرستاده بود. نسخه اساس در متن حدیقه استاد مدرس نسخه‌ی خطی ملک الشعراء بهار می‌باشد ولی قرائن نشان می‌دهد که مصحح قرائت‌های متفاوت نسخه‌های دیگر را نیز به دلخواه در متن به کار گرفته است. متن تصحیح شده حدیقه استاد مدرس رضوی در ده باب تنظیم شده است.

- باب اول، در توحید باری تعالی که شامل معرفت، وحدت، تنزیه و تقدس، توکل، زهد و شوق و رضا و تسلیم است.

- باب دوم، در توصیف قرآن و جلالت آن

- باب سوم، در نعت پیامبر و آل و اصحاب اوست که در این باب ضمن ستایش خلفای راشدین، با صمیمیت بسیار علی (ع) و فرزندان او، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را، نیز امام ابوحنیفه و شافعی را ستوده و آل ابوسفیان را نکوهش کرده است.

- باب چهارم، در توصیف عقل و احوال و افعال اوست.

- باب پنجم در فضیلت علم است.

- باب ششم در ذکر نفس کلی و مذمت دنیا و دنیا پرستان است.

- باب هفتم در غرور و غفلت و نسیان و توصیف مرگ است.

- باب هشتم در مدح بهرامشاه و بزرگان دربار اوست.

- باب نهم در نکوهش مدعیان و مخالفان و از طبقات مختلف مردم سخن می‌گوید.

- باب دهم در بیان حال شاعر و سبب تصنیف کتاب و ضعف و پیری.

چاپ منقح دیگری از حدیقه به وسیله خانم دکتر مریم حسینی (۱۳۸۲) با مقدمه‌ای جامع خصوصاً در باب نسخه شناسی حدیقه منتشر شده است که مشهور به فخری نامه است. این متن حاوی ۵۱۷۹ بیت است، یعنی همان حدیقه حدود ۵۰۰۰ بیتی است، که رفا آن را جمع‌آوری کرده و به دربار بهرامشاه فرستاده است، نسخه بغداد لی و هبی نسخه اساس مصحح است. نسخه‌های دیگر مورد استفاده نسخه خلیل اینالجبی و نسخه وین و نسخه موزه

کابل است که به سال ۱۳۵۶ ش در افغانستان به طریق افست منتشر شده است.

۳- کارنامه بلخ: مطایبه نامه‌ای است که شاعر آن را در ایام اقامتش در بلخ سروده است و ظاهراً اولین مثنوی حکیم است. محتویات دنیوی این اثر آن را از دیگر مثنوی‌ها تا حد زیادی متمایز می‌کند. متن کارنامه بلخ دوبار به همت استاد مدرس رضوی به چاپ رسیده است.

۴- سیرالعباد الی العباد: مثنوی سیرالعباد در هنگام اقامت شاعر در سرخس و به نام سیف‌الحق محمد بن منصور سرخسی سروده شده است. این مثنوی در بیان سیر و سلوک روح در مراتب ناسوت و عروج به ملکوت است که با خطاب به باد آغاز و انجام می‌یابد. منظومه‌ای که پاسخگوی روح پرشگری است که درباره وجود می‌اندیشد و آرزوی رهیدن از خاک و رسیدن به افلاک را دارد. تاکنون چندین چاپ از سیرالعباد عرضه شده است از جمله آن چاپ سعید نفیسی، مایل هروی، و مدرس رضوی است که بیش از دیگران مورد توجه بوده است.

۵- تحریمه القلم، مثنوی کوتاهی است که دارای ۱۰۳ بیت و در لغز قلم است. در مقدمه به سبب استعداد قلم در بیان عقل و روح و هم ستوده می‌شود و سرانجام قلم خود به سخن گفتن می‌پردازد. او به مخاطب اندرز می‌دهد که از زهد ربایی پرهیزد. این مثنوی با سوگند به پیامبر (ص)، علی (ع) و دو فرزند فاطمه (س) پایان می‌یابد. تحریمه القلم نخستین بار به وسیله استاد مینوی در مجله فرهنگ ایران زمین ۱۳۳۵ هـ. ش منتشر شد. اشعار این مثنوی در مثنوی‌های سنایی چاپ مدرس رضوی و در چاپ عکسی خطی کابل، وجود دارد و استاد شفیع کدکنی در مقدمه تازیانه‌های سلوک آن را جزء مثنوی‌های سنایی محسوب می‌دارد ولی پروفیسور ی. د. بروین آن را به سبب محتوایی از سروده‌های دوره‌های بعد می‌داند.^{۱۱}

۶- مکاتیب سنایی که شامل نامه‌های شاعر است که به کوشش استاد نذیر احمد جمع‌آوری و نقد و بررسی شده است.

طریق التحقیق، عقلنامه، عشقنامه، سنایی آباد از جمله آثار منسوب به سنایی است که محققان صحت انتساب آن را نپذیرفته اند.

پی‌نوشت:

- ۱- مثنوی‌های حکیم سنایی، کارنامه بلخ، صفحه ۱۴۸
- ۲- حدیقه، ۳۲
- ۳- همان، ۷۷
- ۴- سخن و سخن‌وران، ۲۵۴ نیز رک حکیم اقلیم عشق، ۷۵
- ۵- تازیانه‌های سلوک، ۱۵
- ۶- همان، ۱۶
- ۷- همان، ۵۹، ۶۰
- ۸- حدیقه، ۷۴۷
- ۹- مقدمه رفاء حدیقه، مدرس رضوی، ۸/۰
- ۱۰- حکیم اقلیم عشق، ۲۸۴

پیشگفتار

آشنایی با متون نظم و نثر کهن زبان فارسی و کشف رمزها و اشارات و اصطلاحات و اندیشه‌های موجود در زبان و بیان شاعران و نویسندگان کهن حلقه پیوند گذشته و حال قوم ایرانی است که موجب شادابی، غنا و تحول و پویایی شاخسار همیشه شاداب درخت بارور هویت ایرانی می‌گردد. و در این میان سنایی جایگاهی بس شاخص دارد؛ شاعری که آثارش آینه آغاز و انجام رگه‌های خاص تفکر فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و به تعبیری مجمع اضداد بوده است. از یک سو آثارش نمایانگر دوره تکوین شعر سستی مذهبی و عارفانه محسوب می‌شود و از سوی دیگر نقطه انجام شعرهای حکیمانه، و کم فروغ شدن مدیحه‌های پادشاهانه است و به تعبیری دیگر هم جلوه گاه حکمت یونانی است و هم مجلای تعالیم اشراقی؛ تصویری از تقابل و تضاد اندیشه جامعه‌ی عصر سنایی که از دوره‌های مهم گذر فرهنگی محسوب می‌شود.

کتابی که پیش‌روی شماست شرح و بررسی ابیات دشوار و بالنسبه دشوار حدیقه سنایی است که به دلایل مختلف در حجم نسبتاً محدودی فراهم آمده است. حدیقه‌ای که در میان آثار سنایی از همه بنام‌تر و بعد از گذشت چندین قرن و سروده شدن مثنوی‌های عارفانه‌ی بسیار،

بی‌احتساب مثنوی مولانا، از برجسته‌ترین آثار عرفانی است. سروده‌ای که هم به سبب مقدم بودن و هم به سبب ذی وجوه بودن، در عین حال که بردارد دشواری‌ها و نابسامانی‌های بسیار را بر دوش می‌کشد و نیازمند تصحیح مجدد است، همچنان مشتاقان را با درک مهالک راه به آبخور غنی فرهنگ برده‌مند قوم ایرانی می‌کشاند و جرعه‌هایی از این زلال بدانها می‌نوشاند که در کمتر اثری می‌توان سراغی از آن گرفت.

آن چه در مرحله آغازین روح مرا با حدیقه پیوند زد ایباتی بود که به سبب توازن و تناسب واژگان و سادگی بیان و ایجاز کلام و پری معنا و موسیقی خاص و عللی که شاید قابل تفسیر نیست بر من تأثیر گذارد و بی آن که دلیلش را بدانم این ایبات را بیخودانه زمزمه و تکرار کردم:

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| آب حیوان درون تاریکی است | - که بدین راه در بدی نیکی است |
| شاید از کم زند به کین پهلوی | - با سلاطین گدای بی‌نیرو |
| خر در آن ره طلب که گم کردی | - گرد هر شهر هرزه می‌گردی |
| خو پذیر است نفس انسانی | - با بدان کم نشین که درمانی |
| پس همان به که گوز کم بازی | - تو درازی و نیز در یازی |
| از درون خالی از برون سیاهی است | - صحبت ابلهان چو دیگ تهی است |
| حد زده به بود که بیم زده... | - مثل است این که در عذابکده |

همین چشش مایه آن شد که در برابر دیگران که سبک حدیقه را سخت ناهموار معرفی می‌کردند مقاومت نمایم. و سرانجام دریابم که نمونه‌هایی از آن دست ایبات در حدیقه نه تنها کم نیست که بسیار است و اساساً اوج هنر شاعری سنایی در ایباتی این گونه نمایانده شده است، ایباتی که چالاکی بیان و طراوت اندیشه و صدق گفتار با موسیقی خاص حروف همراه می‌گردد و در پشت واژگانی ساده، پرکاربرد و به طبع کم ارج و حتی گاه مبتذل از حیث هنری یا اجتماعی، اندیشه‌ای زرف گنجانده می‌شود. این سبک بیان در حکایات و نیز آن گاه که به مباحث نقد اجتماعی و نقد شعر می‌پردازد و با لحن طنز آلود عوام و بی‌مایگان و مخالفان را در قالب تمثیل‌ها مورد خطاب قرار می‌دهد به وضوح قابل مشاهده است.

اگر ابیات موصوف را به کناری بگذاریم حقیقت آن است که تأثیر پذیری بسیار این شاعر از قرآن کریم، احادیث، روایات، تاریخ، اشعار و امثال شاعران عرب، فرهنگ عامیانه، به کارگیری علوم و اطلاعات همراه با عذوبت کلام - هر چند گروهی نپسندند - و ایجاز درخشان هم برگیرایی کلام می‌افزاید و هم از سوی دیگر دریافت کنه معانی را در بسیاری از ابیات دشوار و شعرش را نیازمند شرح می‌نماید. شاید بهترین توصیف شعر سنایی سخن خود شاعر باشد که:

مطلبش سخت چون گهر در کان مأخذش سهل چون هوا در جان
به معانی گران به لفظ سبک چون عروسی به زیر شعر تنک

(حدیقه، ۷۱۱)

قول برنلس در این باره که شعر سنایی در حدیقه «زیبایی دشواری» با خود دارد نیز مؤید قول شاعر و ویژگی گروه دوم از ابیات حدیقه است؛ ابیاتی که اغلب خواننده در مرز فهمیدن و نفهمیدن آن باقی می‌ماند در حالی که بسا موسیقی کلام و روانی بیان او را به پیش می‌راند و متوجه نفهمیدن آن نگردد. این گونه ابیات که نشان دهنده ویژگی سبکی خاص سنایی است علاوه بر آن که برای خواننده بینشی را نسبت به اندیشه‌های واقعی او ایجاد می‌کند سبک بیان او را نیز در تفهیم اندیشه‌ها آشکار می‌سازد. ویژگی سبکی که حد اعلای ایجاز در کلام است و زانیده دقت بسیار زیاد او در بیان اندیشه‌ها به شکلی فشرده، و همین ویژگی، کلام او را مناسب ضرب المثل و کلمات قصار ساخته است. ابیاتی که از حیث درصد فراوانی و تنوع موضوعی به ظن قوی در میان شاعران بی نظیر است.

اندیشه حکیمانه و توجه شاعر به مفاهیم ضمنی کلام چه از جهت پیوستگی و چه از جهت توصیف گری باعث می‌گردد که این گروه از ابیات دشوار به نظر آید ولی با پرده بر گرفتن از نقاب الفاظ زیبایی عروس معنی جلوه گر می‌گردد و این خود از عللی است که بسیاری از محققان را به شرح آثار سنایی کشانده است.

گروه سوم ابیاتی است که به سبب نبود متن متقن و یا به سبب وجود اشارات عرفانی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی نشأت گرفته و یا پرورده شده در جامعه عصر سنایی، همراه با ایجاز بیان درخشان بسیار دشوار و گاه ناممکن می‌گردد علاوه براین گسیختگی ارتباط منطقی بعضی از بخش‌ها و ابیات به سبب انتخاب‌های مختلف در زمان حیات سنایی و

بعد از آن، نیز دخالت نساخان و کاتبان بر سردرگمی ذهن خواننده می‌افزاید؛ البته این گروه حجم بسیار کمتری را تشکیل می‌دهد و ظاهراً ویژگی گروه اخیر از ابیات به اضافی تکراری بودن بعضی از مضامین است که به مذاق گروهی از محققین من جمله ادوارد براون خوش نیامده است و به ذم غیر منصفانه‌ی کل کتاب پرداخته و می‌گویند: «وزن این مثنوی در یک وزن کند و غیر دلچسب به نظم کشیده شده و از خسته کننده ترین و دیر فهم ترین کتاب‌های ادب فارسی است و از اختلاف شدید حدیقه و مجموعه غزلیات شگفت زده می‌شود. (L. H. P. II. 319 - 20)

گواه نادرستی حکم براون را می‌توان در تأثیر گذاری شعر و اندیشه سنایی بر شاعران و نویسندگان معاصرش - با گرایش‌های گوناگون - جستجو کرد و نیز در تأثیر عمیقی که بر شاعران بعد از خویش نهاده است. سوزنی و شمس الدین دیلمی با دو دیدگاه مختلف به هجو و خرده گیری سنایی سرگرم می‌شوند و در قرن بعد قانعی طوسی به خرده گیری می‌پردازد. از سوی دیگر کسانی چون احمد غزالی، عین‌القضاة، رشیدالدین میبدی و ابوالمعالی نصرالله منشی از نخستین کسانی هستند که از آثار سنایی بهره بر گرفته اند. قوامی رازی، عزیز الدین نسفی، برهان الدین محقق ترمذی، نجم دایه، روزبهان بقلی، (در عبر‌العاشقین) و شیخ شهاب الدین سهروردی در ساختار عرفانی مونس العشاق از آثار سنایی خصوصاً حدیقه بهره جسته اند؛ گذشته از آن که شاعران بزرگ ادب فارسی چون عطار و خاقانی و نظامی و مولوی و حتی سعدی و حافظ نیز در طیف شعر و اندیشه سنایی قرار گرفته اند. سنایی در قسمت اعظم حدیقه به اسلوب سهل متنع دست یافته است و از این حیث در سعدی و شیوه بیان او بی تأثیر نبوده است؛ جدای از آن که در مضمون پردازی‌های خاص، طرح مباحث اخلاقی، اجتماعی، حکومت داری و شیوه مدیحه گویی نیز نمی‌توان این دو شاعر را از یکدیگر منفک کرد. حدیقه سنایی نیز چون بوستان مدینه‌ی فاضله‌ای است که تعالیم حکمت عملی شاعر را می‌نمایاند و مولوی به دفعات از او و الهی نامه‌ی او به بزرگی یاد کرده است و این همه مسلماً فقط به سبب درون مایه‌ی خاص شعر او نبوده است بلکه قالب و ساختار بیان و جاذبه کلام نیز تأثیر عمیقی نهاده است که شاعر توانسته با اقبال بسیار هم در زمان حیات خویش و هم پس از آن مواجه شود.

شروحي که بر حدیقه نگاشته شده است و معرفی اثر حاضر

اگر از سخن عبداللطیف عباسی بزرگترین شارح حدیقه بگذریم که معتقد است مثنوی مولانا در حقیقت شرح حدیقه سنایی است زیرا که مولانا در مثنوی با تمثیلهای و شواهد بسیار به بسط اندیشه‌های عرفانی سنایی در حدیقه می‌پردازد؛ واژه نامه منظوم «مفتاح الحدیقه» از نویسنده‌ای ناشناس در سال ۱۰۲۰ / ۲ - ۱۶۱۱ قدیم ترین شرح محسوب می‌شود که در آن علاوه بر توضیح در باب واژگان دشوار، پاره‌ای از آیات و روایات موجود در متن حدیقه نیز ترجمه شده است. (تعلیقات حدیقه الحدیقه، ۸)

اما کوششهایی که عبداللطیف عباسی در حدود سالیان ۱۰۳۷ ه. ق. ۱۰۴ ه. ق. به منظور بازنگری در متن حدیقه انجام می‌دهد و سرانجام شرحی که بر متن فراهم آورده می‌نگارد زمینه سازترین اثر برای آشنایی سنایی‌شناسان دوره معاصر از جمله مدرس رضوی با این شاعر حکیم است. شرح عبداللطیف با عنوان «لطایف الحقایق من نقایس الدقایق» بسیاری از دشواری‌های متن را شرح می‌دهد بلکه به توضیح آیات و احادیث، دشواری‌های کلامی و لفظی و بعضی از عبارات پیچیده می‌پردازد.

این شرح مأخذ عمده دو شارح بزرگ بعد از عبداللطیف یعنی علاء الدین احمد علی‌بی لاهوری در شرح «طریقه بر حدیقه» و محقق و مصصح بزرگ آثار سنایی در ایران استاد مدرس رضوی در «تعلیقات حدیقه الحدیقه» بوده است. شرح لطایف الحقایق عبداللطیف به سال ۱۸۸۷ م در نولکشور هند به چاپ سنگی رسید.

تعلیقات استاد مدرس که حاصل مطالعات و یادداشتهای در طول ایام ایشان بر حدیقه است که حاوی شرح حدود ۱۲۰۰ بیت از حدیقه است به اضافه‌ی ترجمه آیات و احادیث و اشعار عربی که در مقدمه‌ی حدیقه آمده است. این شرح به اعتبار آن که شرح عبداللطیف را نیز در بردارد جامع‌ترین و در دسترس‌ترین شرح دشواری‌های حدیقه است.

دیگر از شروحي که شاید من باب یادآوری لازم به ذکر آن است نسخه‌ی حدیقه خطی استاد حسین الهی قمشه‌ای با شروحي بر حاشیه بوده است که از طریق استاد بزرگوار دکتر مصفا در اختیار این جانب نهاده شد. نام این شرح را «جان نواز» نامیده‌ام بدان سبب که مقدمه‌ی آن با این ابیات آغاز می‌شود:

مشکلات حدیقه آسان کرد

شرح بر منوچو آسان (?) کرد

شرح ابیات جان نواز آمد

سال تاریخ چون فراز آمد

در مقدمه سال ۱۰۸۴ صریحاً به عنوان سال شرح ذکر شده است در حالی که «جان نواز» به حروف ابجد معادل ۱۰۱۸ می‌شود. اگر اصالت این اثر و صحت عدد ۱۰۱۸ را بپذیریم این شرح مقدم بر شرح عبداللطیف عباسی است که البته دوگانگی تاریخ شرح را می‌توان به نوعی در شروحنی که بر حاشیه ابیات آمده است مشاهده کرد. بدین ترتیب که قسمتی از آن به وسیله شارحنی اهل علم نگاشته شده است که دقیقاً می‌توان ردپای آن را در تعلیقات استاد مدرس جستجو کرد و قسمت دیگر از شارحنی بی‌مایه است که اساساً قابل توجه نیست.

معرفی اثر حاضر:

در این بررسی به شرح ابیاتی از حدیقه الحقیقه (تصحیح استاد مدرس، چاپ دانشگاه تهران) پرداخته‌ام که دریافت مفهوم آن را به زعم خویش دشوار و یا نسبتاً دشوار می‌دانسته‌ام. شیوه کلی بر آن بوده است که متناسب با علت پیچیدگی مفهوم بیت به شرح آن پردازیم. گاه فقط توضیح واژگان کافی می‌نموده است گاه پیچیدگی نحوی کلام باعث بر شرح بوده است و گاه وجود اشارات ظریف قرآنی، عرفانی، تاریخی، فرهنگی - اجتماعی خاص و در بسیاری از موارد بیت نیازمند تصحیح مجدد بوده است و گاه مجموعه‌ی موارد فوق دلیلی بر شرح که به تناسب بدین امر مبادرت ورزیده‌ام. نهایت سعی بر آن بوده است که به استناد فحوای کلام سنایی در حدیقه نیز متون عرفانی، ادبی، تاریخی اغلب حدوداً معاصر و یا ما قبل اثر به شرح و توضیح پردازیم به همین سبب آثاری چون شرح تعرف مستملی بخاری، احیاء العلوم، اللمع، قوت القلوب، کشف الاسرار، کشف المحجوب، اسرارالتوحید و تاریخ الخلفاء... جزء منابعی بودند که در درجه اول اهمیت برای حل مشکلات از آنها فراوان سود جسته‌ام، گذشته از آثار مذکور مسلم است که تعلیقات شادروان استاد مدرس بر حدیقه مهمترین مداخل بر آشنایی این‌جانب و دیگر دوستداران شعر سنایی در حدیقه بوده است اما لازم به ذکر است که در بهره‌گیری از اثر مذکور سعی شده است حتی الامکان از تکرار نکات منقول در تعلیقات و شرح دوباره ابیات شرح شده (خصوصاً در بخش طب و نجوم) و اطاله متن پرهیز شود، مگر در مواردی که وجوه اختلاف نظر در شرح بی‌شی خاص مطرح شده باشد.

در شرح و بررسی حاضر بنابر دلایلی چند اصل بر ایجاز بوده است؛ هر چند که شرح با ایجاز متناقض به نظر آید و در عین حال معترفم که هنگام شرح نیز کلام و بیانم مقهور ایجاز درخشان سنایی بوده و به تبع گاه شرح مرا شرح دیگری لازم است که امید این نقیصه در فرصت مناسب تر و با شرح جامع تری کم رنگ شود خصوصاً آن که لازم می‌نمود برای حفظ

ارتباط طولی ابیات کل متن حدیقه و با ابیات حدوداً موقوف المعانی آورده شود که به سبب اجتناب از افزایش حجم کار عجلتاً از این امر ضروری نیز صرف نظر شد. به همین سبب توصیه می‌شود که خواننده محترم متن با پیش رو داشتن متن کامل حدیقه به مطالعه شرح دشواری‌ها بپردازد. (عدد سمت راست بیت شرح شده، شماره صفحه و عدد سمت چپ شماره بیت آن طبق متن حدیقه استاد مدرس رضوی چاپ دانشگاه تهران است).

هیچ گاه دعوی آن ندارم که همه مشکلات حدیقه را تفسیر کرده‌ام و یا آن چه دریافته‌ام منطبق با واقع بوده است و نقضی ندارد که مسلماً دعوی این گونه با بضاعت مزجاء حقیر سخت جاهلانه است، بلکه در پیوستن بدین شرح بر آن اعتقاد بوده‌ام که گامی دیگر در جهت شناخت حدیقه و مشکلات آن برداشته شود تا با گام‌های پیوسته محققین در دو سوی این تحقیق هاله‌ی ابهام از افق شعر و اندیشه سنایی زدوده شود و من نیز در سلک خریداران یوسف رخی قرار گیرم که رشته خویش را عرضه می‌دارند و از هم‌اینک پیشاپیش عذرخواه کاستی‌های بسیار آن هستم.

عنایت بدین نکته که استاد مدرس حدود ۱۲۰۰ بیت را مورد شرح و بررسی قرار داده است مطرح کردن بیش از ۲۸۰۰ بیت (در اصل ۱۵۰۰ بیت) در این مجموعه خود بیانگر وسعت کار است و مسلم است آنجا که وسعت کار و تنگی مجال و قلت زاد به هم پیوند از لغزش و نسیان بری نتوان بود و اساساً اهل قلم و بزرگانی که دست اندر کار شرح و تفسیر بوده اند به خوبی واقفند که کار شرح آثار منظوم به سبب ذی وجوه بودن و چند مرحله‌ای بودن کار - کسب علم و آگاهی و شناخت زمینه‌ی اصلی کار، تفکر و تدبیر و سرانجام آفرینش دوباره - کاری طاقت فرساست و از سوی دیگر چه بسا که به سبب نگرش‌های مختلف با سطح انتظار خوانندگان متن نیز برابری نکند؛ نتیجه آن که سالک مبتدی که در چنین رهی دشوار قدم بر می‌دارد مصداق هویدای ظلوم و جهول بودن نوع انسان است که خود را نشان تیر ملامت می‌سازد ولی چه کنیم که ملامتیان راه عشق زلیخا صفت برای دریافت جمال اثری که

«از معانی و لفظ نامعیوب یوسفی از درون و بیرون خوب»

سلامت را دعا گفته و در سعی و طلبش کوششی که مقدور بوده است به انجام رسانیده‌ایم و اگر این امر خطیر درست به انجام رسیده باشد حاصل خوشه‌چینی از خرمن فضل بزرگان ادب فارسی و پایمردی‌های بزرگانی چون استاد مصفا، استاد شفیع کدکنی در دانشگاه تهران

نیز استاد علیمحمد سجادی در دانشگاه شهید بهشتی بوده است و اگر نقصی است که حتماً بسیار است، رهاورد این حقیر که امید دارم همه دانشورانی که جوهریان رسته‌ی معانی‌اند و مصلحان ملک سخن، درهم ناسره‌ام را در بوته معرفتشان به کیمیای هدایت‌گری زر سازند و در نمودن طریق اولی این اثر را مورد عنایت و دقت قرار دهند و مرا شاکر احسان خویش کنند.

در پایان از ناشر محترم، جناب آقای علی زوّر و همکاران ایشان سپاسگزارم که به نشر این کتاب همت گماردند نیز از زحمات سرکار خانم مریم جهان‌تاب که صفحه‌آرایی کتاب را به‌عهده گرفتند قدردانی می‌شود.

زهرایی - کرج

آذر ۱۳۸۶